

چالش‌های فراروی محیط زیست ایران

کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی (کمیته محیط زیست)

چکیده

محیط‌زیست که به واسطه کنش و واکنش‌های آن با سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حوزه‌ای بسیار فراگیر محسوب می‌شود، از نظر اقتصادی، تأمین‌کننده نهاده‌های تولید و عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی است؛ از نظر اجتماعی، مکان زیست سالم، لازمه‌ی جامعه‌ای سالم است که دربرگیرنده ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی است و آداب و سنن ملی و هویت میهنی و تاریخی هر کشور در انطباق با آن تکوین و تکامل می‌یابد. توسعه و استمرار رشد اقتصادی با هزینه تخریب طبیعت در درازمدت پایدار نمی‌ماند، از این رو توجه به ملاحظات محیط‌زیستی، شناخت چالش‌های موجود و پیش‌روی کشور در روند سیاست‌گذاری‌های پیشرفت ملی، به عنوان مهم‌ترین اولویت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لازم است.

چالش‌هایی از جمله نظام‌های سیاست‌گذاری، حفاظت و احیای زیست بوم‌ها، روابط و همکاری‌های بین‌المللی، نوآوری و فناوری‌های اولویت‌دار کشور، حفاظت و توسعه منابع آب، بهره‌وری تولید و مصرف انرژی، پیشگیری از انواع آلودگی‌ها و چالش‌های استراتژیک محیط زیست ایران از جمله مواردی است که برای این مهم در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

چالش‌ها، محیط زیست، زیست بوم، سیاست‌گذاری، استراتژیک، رشد اقتصادی

الف - نظام سیاست گذاری، حکمرانی، تنظیم گری و مدیریت محیط زیست

عدم تکمیل فرآیند تعیین ارزش اقتصادی زیست بوم‌ها و منابع زیستی

امروزه ابزارهای اقتصادی و تحلیل‌های وابسته با کارکردهای آن به عنوان یکی از مهمترین فاکتورهای تصمیم‌گیری در سازمان‌ها و نهادها محسوب می‌شود، در نگاه دیگر تقویم ارزش کارکردهای یک عامل به پول یا سایر فاکتورهای متریک اقتصادی قدرت تحلیل و درک جامعه و تصمیم‌گیران را از اهمیت موضوع بیشتر نموده و حساسیت‌ها را نسبت به آن موضوع فزونی می‌بخشد، بر این اساس بررسی وضعیت ارزش گذاری اقتصادی منابع محیط زیستی در کشور موید آن است که علیرغم گذشت نزدیک به یک دهه از آغاز فعالیت‌های این سازمان در زمینه تعیین ارزش اقتصادی و هزینه‌های تخریب متاسفانه هنوز این فرآیند تکمیل نشده، منابع اعتباری بابت انجام پروژه‌ها و فعالیت‌های طرح تخصیص نیافته است و ارزش اقتصادی این منابع در حساب‌های ملی درج نشده و عملاً فرآیندهای مرتبط با اقتصاد زیست محیطی و لحاظ کردن هزینه‌های تخریب محیط زیست در اقتصاد کشور کاملاً حذف گردیده است. از سوی دیگر جرائم و خسارات بابت ضرر و زیان به محیط زیست به دلیل حضور ضعیف نمایندگان سازمان در مراحل تدوین و تصویب برنامه پنجم توسعه وفق ماده ۱۲۳ این قانون به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها اختصاص یافته و علیرغم درج ماده مالیات سبز در اصلاحیه قانون مالیاتی کشور متاسفانه به دلیل عدم وجود رایزنی‌های کارآمد در مجلس شورای اسلامی این ماده از قانون مذکور حذف گردیده است و در کلام آخر می‌توان اذعان داشت ابزارهای اقتصادی محیط زیستی در وضع موجود متناسب با نیازهای زیست محیطی کشور نمی‌باشد.

ضعف ارزیابی و کنترل آثار زیست محیطی در طرح جامع آمایش سرزمین، طرح‌های توسعه‌ای و تولیدی کشور

آمایش سرزمین فرآیندی است که در آن سرزمین ارزیابی می‌شود تا پایه و اساسی برای تصمیم‌گیری‌های مرتبط با چیدمان و کاربری اراضی فراهم کند. دولت‌ها از آمایش سرزمین برای مدیریت توسعه اراضی در حوزه مدیریت‌شان استفاده می‌کنند. بدین منظور سازمان‌های دولتی می‌توانند با توجه به حفظ منابع طبیعی برای رفع نیازهای جامعه برنامه‌ریزی کنند. این یک ارزیابی سیستماتیک از پتانسیل آب و زمین است که جایگزین‌هایی برای کاربری اراضی و شرایط اجتماعی و اقتصادی، به منظور انتخاب و اتخاذ بهترین گزینه‌های کاربری اراضی پیشنهاد می‌دهد. هدف این دوره کمک به دانشجویان برای شناخت تاریخچه و تئوری آمایش سرزمین، چهارچوب مفهومی برای آمایش سرزمین، اهداف و طراحی کاربری اراضی، آنالیز مطلوبیت اراضی، طبقه‌بندی اراضی، استفاده از GIS و سیستم

پشتیبان تصمیم‌گیری DSS می‌باشد. آمایش سرزمین اصولاً یک «سیاست»، در راه «توسعه» در کشوری با «حکومت متمرکز»، با مناطق از نظر توسعه و ترقی و عقب ماندگی متفاوت از یکدیگر و دارای شکاف‌های توسعه‌ای قابل توجه (مثل تهران و اصفهان و مشهد در مقابل ایلام و بلوچستان و کردستان)، به منظور کاهش این شکاف‌ها در راه ایجاد تعادل منطقه‌ای و نهایتاً استقرار هرچه بیشتر عدالت اجتماعی بین مناطق است، تا سبب طغیان برخی از مردمان برخی از مناطق عقب مانده تر کشور در حق خواهی و عدالت طلبی و چه بسا سبب تجزیه طلبی و امثال آن نشود. چنین سیاستی از دیدگاه صرفاً سیاسی - اجتماعی فرهنگی خود در حکومت‌های فدرال چون ایالات متحد - انگلستان - آلمان - روسیه - چین - و... کاربرد ندارد. اما از جنبه‌ی به خصوص اقتصادی خود که به برنامه ریزی‌های بیشتر عمرانی (زیربناسازی) و رشد اقتصادی ختم می‌شود، مشابهت‌هایی با سیاست‌های سایر کشورهای پیشرفته علمی چون «اقتصاد فضائی» در ایالات متحد، و «برنامه ریزی منطقه‌ای و شهری» در پادشاهی متحده انگلستان دارد؛ به ویژه که از نظر علوم و فنون برنامه ریزی اصولاً از این نظر نمی‌تواند با آنان چندان تفاوتی داشته باشد و شاید اصولاً این علوم و فنون برنامه ریزی برای آمایش (و نه خود «سیاست» آمایش) یکی باشند.

بر این اساس توقف روند اجرای مطالعات آمایش سرزمین و ارزیابی توان اکولوژیک در سنوات اخیر نه تنها موجب بروز مسائل و مشکلات عدیده در برنامه ریزی فضایی و سرزمینی کشور گردیده بلکه به علت عدم ارزیابی توان اکولوژیک و بهره برداری خارج از توان سرزمین موجب بروز خسارات جبران ناپذیری به محیط زیست و عرصه‌های آن گردیده است.

ضعف ساختار حکمرانی محیط زیست کشور و ناهماهنگی بخشی و فرابخشی

مطابق تقسیم بندی وظایف و مسوولیت‌های تعیین شده در تعریف ساختار دولت، محیط زیست عمومی با ماهیت غیر انتفاعی می‌باشد که مطابق تقسیم بندی حوزه‌های سه گانه وظایف دولت (سیاست گذاری و هدایت عمومی جامعه، وظایف انحصاری و وظایف مشارکتی)، سازمان حفاظت محیط زیست نهادی است حاکمیتی که بر حوزه سیاست گذاری و هدایت عمومی جامعه و تمام اموری که برای تداوم زندگی اجتماعی لازم است و به دلیل غیرانتفاعی بودن نمی‌تواند توسط انگیزه خصوصی به نحو متناسبی به انجام رسد نظارت دارد، بر این اساس بررسی وضعیت ساختار و ظرفیت‌های سازمان در حوزه‌های بخشی و فرابخشی موید آن است که بخش قابل توجهی از پست‌های عملیاتی و کارشناسی به دلیل عدم اخذ مجوز جذب بلا تصدی بوده و این درحالی است که میانگین سرانه حفاظتی در

کشور حدود ۳ برابر حد استاندارد جهانی بوده و بخش اعظم کارکنان خبره ستادی و استانی از خدمت دولت خارج شده و یا به سازمان‌های دیگر انتقال یافته‌اند و کارکنان موجود فاقد انگیزه و توان علمی لازم برای انجام امور به ویژه در حوزه‌های تخصصی می‌باشند و در کلام آخر سازمان در حوزه بخشی دارای رکود و پیری ساختاری می‌باشد و در حوزه فرابخشی عدم ایجاد و یا تعطیلی واحدهای محیط زیست در دستگاه‌های تاثیر گذار، عدم راه اندازی صندوق ملی محیط زیست و عدم الزام دستگاه‌های اجرایی به رعایت ضوابط و استانداردهای محیط زیستی و ناهماهنگی بخشی و فرابخشی مرتبط با فرآیندهای اجرایی داخل و خارج سازمان موجب ایجاد سازمانی ناکارآمد گردیده است.

- عدم الزام دستگاه‌های اجرایی به رعایت ضوابط و استانداردهای محیط زیستی و ناهماهنگی بخشی و فرابخشی مرتبط با فرآیندهای اجرایی داخل و خارج سازمان،
- عدم وجود نظام جامع و یکپارچه برنامه ریزی جهت اجرای وظایف سازمان در اسناد بالادستی، استفاده مطلوب از منابع و حفظ محیط زیست،
- پایین بودن انگیزه در بین کارکنان برای انجام وظایف و مأموریت‌های سازمانی ناشی از عدم وجود ثبات و خود محوری در سیستم مدیریتی صف و ستاد،
- به روز نبودن دانش و مهارت کارکنان صف و ستاد در خصوص مسائل روز محیط زیست،
- متوقف شدن کامل اجرای برنامه‌های تحول اداری و ضعیف بودن ارتباطات عمودی و افقی سازمانی،
- متوقف شدن اجرای طرح‌های سازمان بر اساس مدیریت پروژه و عدم تکمیل پروژه‌های مختلف محیط زیستی در سطح کشور با عمر بیش از یک دهه از آغاز فعالیت آنها و تخریب تدریجی عناصر ایجاد شده به دلیل بی توجهی به وضعیت پروژه،
- اجرای نامناسب برنامه واگذاری وظایف تصدی گری و خدمات سازمان به بخش خصوصی و واگذاری بخشی از وظایف اصلی- حاکمیتی و مناطق تحت مدیریت سازمان به بخش خصوصی با عدم رعایت قوانین موضوعه.

ناکافی بودن قوانین، آیین نامه، ضوابط و دستورالعمل اختصاصی در خصوص حفاظت از محیط زیست

ساختار موجود در حوزه قوانین و مقررات محیط زیست تشکیل شده از بخش‌های بسیار محدود با قوانین و مقرراتی که عمدتاً جنبه حقوقی داشته و سالانه پرونده‌های متعددی در زمینه حفاظت از محیط زیست کشور و عرصه‌های آن مشتمل بر شکار و صید، زیستگاه‌ها و امور مناطق و... می‌باشد که این مهم در عرصه‌های حقیقی و حقوقی دارای رشد روز افزون و مضاعفی به دلیل افزایش تقاضا بهره برداری از منابع محیط زیست و محدودیت منابع زیستی می‌باشد.

بر این اساس بررسی وضعیت موجود موید آن است که تعدادی از محیط بانان سازمان به جرم قتل عمد نفس در زندان ها به سر می برند و در سنوات گذشته هیچ قانون جدیدی برای محیط زیست تصویب نگردیده، ضمن آنکه قانون های کارآمد در حفاظت از منابع زیستی نظیر ماده ۱۰۴ و ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه حذف گردیده که این معضلات در کنار چالش های همیشگی قوانین محیط زیست نظیر دارا نبودن ضمانت اجرایی قوانین محیط زیست کشور به دلیل ماهیت حقوقی جرم زیست محیطی در کشور، عدم توجه به نیازهای پایه ای در اجرای قوانین محیط زیست نظیر وجود دادگاه های ویژه و تخصصی و قضات مطلع در زمینه محیط زیست سبب بروز مشکلات عدیده، پرونده های مفتوح در محاکم قضایی و... گردیده است.

کم توجهی به جایگاه نهادهای مدنی و سازمان های غیردولتی در تصمیم گیری ها و فعالیت های اجرایی

حکمرانی مطلوب محیط زیست در سطح جامعه و ارتقاء جایگاه آن مستلزم کسب سرمایه های اجتماعی نظیر باور، اعتماد و مشارکت افراد در تصمیم گیری و اجرای برنامه های محیط زیست کشور می باشد، که نمونه آن را می توان در کشور ژاپن که بهترین کشور آسیا در رتبه بندی کشورهای جهان بر اساس شاخص های جهانی EPI است مشاهده نمود. بر این اساس بررسی وضعیت سمن ها در کشور ایران موید ایجاد یک روند رکود و توقف نسبی از آغاز سال ۱۳۸۵ تاکنون است که به دلیل ورود مسائل سیاسی و امنیتی به ساختار فعالیت های اجتماعی و عدم توجه به سمن ها در سیاست گذاری و برنامه ریزی محیط زیست کشور ناشی از عدم باور مدیران ارشد و تصمیم گیران ارشد کشور می باشد و این موضوع سبب کاهش چشم گیر سالانه سمن های فعال در سطح کشور گردیده است؛ به نحوی که در سال ۱۳۹۰ حدود ۴۰ سمن در سراسر کشور منحل گردیده و امروز نسبت تعداد سمن های فعال به سمن های ثبت شده در سراسر کشور بسیار اندک می باشد.

لذا برای ایجاد مجدد این باور و اعتماد سازی عمومی لازم است نسبت به ایجاد بسترهای لازم برای احیاء و بازیابی توان این عنصر موثر اجتماعی در حفظ و بهره برداری خردمندانه از محیط زیست کشور اقدام و برنامه توانمندسازی این سمن ها در سطح کشور اجرا گردد.

ناکافی بودن منابع آمار و اطلاعات مورد نیاز مرتبط با محیط زیست کشور

امروزه با پیشرفت علوم و فناوری های آماری و اطلاعاتی، سازمان ها و نهادها به منظور برنامه ریزی های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، تهیه گزارش های ادواری عملکرد و تدوین شاخص ها دارای نظام مشخص آماری و اطلاعاتی می باشند.

بر این اساس علیرغم تاکید قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر الزام ایجاد نظام‌های آماری و اطلاعاتی تا سال دوم برنامه و اختصاص ردیف اعتباری در قانون بودجه سنواتی کشور متأسفانه به دلیل عدم تمایل به شفاف سازی در ابعاد آماری ناشی از ارائه عملکرد، ایجاد گزارشات بر مبنای داده‌ها و ستانده‌های غیر واقعی، ضعف تخصصی ناشی از عدم وجود نیروی متخصص آماری و کارآمد طراح و مدیریت نظام اطلاعاتی و ضعف شدید مرکز آمار ایران به عنوان دستگاه هماهنگ کننده اصلی و مفقود شدن اسناد و مدارک ناشی از نظام آمار و اطلاعات طراحی شده در سال ۱۳۸۳ امروزه سازمان فاقد یک نظام به روز و کارآمد آماری در برنامه ریزی و ارائه عملکرد و کشور فاقد نظام آمار و اطلاعات زیست محیطی جامع و یکپارچه در سطوح ملی و استانی می‌باشد.

ناهماهنگی بخشی و فرابخشی در اجرای برنامه آموزش همگانی محیط زیست

آموزش محیط زیست به عنوان یکی از ارکان حفاظت از منابع حیاتی و تنوع زیستی دارای اهمیت ویژه می‌باشد. بر این اساس در هر سال برنامه آموزشی زیست محیطی تقریباً گسترده‌ای توسط نهادها، ارگان‌های دولتی، عمومی و غیردولتی برنامه ریزی و اجرا می‌شود، که به صورت پراکنده و غیر منسجم با صرف هزینه‌های زیادی اجرا می‌شود و در جهت اهداف بخشی این نهادها و ارگان‌ها قرار دارد و فاقد ماهیت فرابخشی است. این وضعیت منجر شده است که برنامه‌های تکراری و خارج از اهداف برنامه‌های توسعه کشور صورت گیرد که می‌توان با ایجاد نظام کارآمد آموزش و اطلاع رسانی محیط زیستی، برنامه‌های آموزش همگانی محیط زیست تمام فعالیت ارگان‌ها و نهادهای مربوط را در این راستا یکپارچه نمود. مهمترین کمبودی که از فعالیت‌های گسسته موجود حاصل شده است، نبودن اطلاعات دقیق و کامل است که منجر به عدم آگاهی از وضعیت آموزش‌های زیست محیطی در کشور است. مهمترین دلیل این گسستگی عدم فعالیت مداوم کارگروه اجرایی برنامه‌های آموزش همگانی محیط زیست است که به دلیل نبود نظام اجرای برنامه آموزش همگانی محیط زیست ایجاد شده است.

ب- حفاظت از منابع و تنوع زیستی و احیاء و حفاظت اکوسیستم‌ها و زیست بوم‌های حساس و تخریب شده

ضعف در پایش و نظارت دقیق بر تولید و انتشار آلاینده‌های منابع زیستی

بررسی وضعیت موجود منابع زیستی کشور (آب و خاک) موید آن است که وضعیت این منابع با گسترش روز افزون آلاینده‌های محیط زیستی و عدم استقرار نظام‌های کارآمد پایش، حفاظت، احیاء به دلیل مدیریت ناکارآمد برنامه‌ها و منابع اعتباری مرتبط و ارزیابی زیست محیطی تشریفاتی یا عدم ارزیابی زیست محیطی بسیاری از طرح‌های توسعه در

مراحل قبل، حین و بعد از اجرا و عدم اجرای برنامه های نظارتی فرابخشی، در مرز خطر و بحران می باشد. بطور مثال براساس مطالعات اولیه انجام شده در طرح تهیه اطلس آلاینده های خاک در ۸ استان کشور در حدود ۲۰۰۰۰ نقطه آلوده در خاک های کشور وجود داشته باشد که به آلاینده های مختلف از جمله فلزات سنگین، آلاینده های نفتی، سموم و ... آلوده بوده و محیط زیست و سلامت مردم را به شدت تهدید می کند و از دیگر سوی بسیاری از انواع مواد شیمیایی در محصولات و تولیدات کارخانه ها وجود داشته که به مقدار وسیعی نیز مورد مصرف مردم قرار گرفته و بسیار خطرناک می باشند. متأسفانه علیرغم تولید، واردات و مصرف مواد شیمیایی خطرناک، بررسی های زیست محیطی و بهداشتی کافی در خصوص اکثر آنها صورت نمی گیرد و همچنین در حال حاضر روزانه بیش از ۴۵۰۰۰ تن پسماند شهری در کشور تولید می شود، سالانه مقدار قابل توجهی از مواد قابل بازیافت مانند کاغذ، پلاستیک در دل خاک مدفون می شوند، پسماندهای بیمارستانی هم که حاوی میکروب های فراوان و خطرناکی می باشند نیز همراه با پسماندهای شهری دفن غیر اصولی می شوند. در حوزه آب حجم پساب بخش های اصلی در سال ۱۴۰۰ برابر با ۴۰ میلیارد متر مکعب خواهد بود که نسبت به ۲۹ میلیارد متر مکعب سال ۱۳۸۰ حدود ۳۸ درصد رشد خواهد داشت. در واقع میزان پساب ها در سال ۱۴۰۰ به حدود یک سوم حجم منابع آب تجدیدپذیر کشور می رسد که با توجه به آلودگی آنها یکی از چالش های مهم مدیریت کیفی منابع آب می باشد.

ضعف در نظام و اعمال فرآیندهای حفاظت، ارزیابی، پایش، احیاء و نظارت بر بهره برداری اجزای تنوع زیستی

اگرچه در خلال چند دهه گذشته پیوند متقابل حفاظت از تنوع زیستی و توسعه اقتصادی بیش از پیش شناخته شد. اما بررسی روند عملکردی سازمان در حفاظت از تنوع زیستی در دهه گذشته مویده آن است که این موضوع چندان مورد توجه سیاست گذاران و برنامه ریزان محیط زیست کشور نبوده به نحوی که به طور مثال در حوزه گونه های جانوری حیات وحش براساس آخرین بررسی و گزارشات کارشناسان محیط زیست حدود ۱۱۳۱ گونه جانوری اعم از پستاندار، پرنده، خزنده و دوزیستان در اکوسیستم های خشکی و آب های داخلی ایران زیست می کنند. رده پستانداران با ۱۹۴ گونه، ۵۲۱ گونه پرنده، ماهیان آب های داخلی ایران شامل ۱۸۰ گونه، ۲۰۴ گونه خزندگان و ۲۰ گونه دوزیستان است که بر طبق آخرین وضعیت حفاظتی گونه های مختلف مهره داران در ایران را در سال ۲۰۰۹ حدود ۸۰ گونه از تمامی رده های جانوری، یعنی نزدیک به هفت درصد از کل گونه های جانوری ایران را در فهرست منتشر شده سرخ قرار دارد که علل این موضوع را می توان در ناتوانی سازمان در ارائه و اجرای مدل حفاظت از تنوع زیستی کشور و غیر ضروری دانستن آن

دانست به نحوی که منابع اعتباری مربوط به این حوزه در طی دهه گذشته صرف اجرای مصوبات غیرمرتبط سفرهای استانی هیات وزیران گردیده و طرح‌هایی نظیر ایجاد موزه ملی، تاریخ طبیعی و ذخائر ژنتیکی مادر در تهران به دلیل سیاست گذاری غلط و توزیع اعتبار آن در استان‌ها علیرغم اتمام طرح پایان نیافته و بسیاری از فازهای اصلی آن ناتمام مانده است.

اجرا نشدن برنامه‌های احیاء و حفاظت اکوسیستم‌ها و زیست بوم‌های حساس و تخریب یافته

زیست بوم‌ها و اکوسیستم‌ها بستر حیات گونه‌های گیاهی و جانوری محسوب می‌شوند که چهار مرحله حفاظت، احیاء، پایش و بهره‌برداری خردمندانه از آن جزء محورهای اصلی اجرای مدیریت بر آنها محسوب می‌شود. هرچند امروز بعد از گذشت سه سال از پایان برنامه چهارم توسعه و وسعت مناطق تحت مدیریت به سطح ۱۰ درصد مساحت کشور رسیده است اما آنچه بررسی‌های کنونی در بیان غنا و اهمیت حفاظت از این مناطق اعلام می‌دارند موید آن است که هیچ برنامه احیاء زیست بوم خسارت دیده در زیست بوم آبی، خشکی و دریایی اعمال نگردیده است. سیستم حفاظتی مناطق تحت مدیریت کماکان سنتی بوده و جمعیت اعلام شده گونه‌های جانوری و گیاهی غیر واقعی بوده است. مناطق غیر قانونی واگذار شده و تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور نیز به دلیل عدم مدیریت صحیح و ملاحظات سیاسی از یک سو و تامین نشدن حقایق‌ها در حال خشک شدن می‌باشد.

ج- روابط و همکاری‌های بین‌المللی زیست محیطی

انزوا در دیپلماسی زیست محیطی بین‌المللی و منطقه‌ای و ضعف در همکاری‌های بین‌المللی محیط زیست در سطوح مختلف از مذاکرات تا انجام تعهدات و مدیریت اجرای طرح‌ها و پروژه‌های بین‌المللی

محیط زیست به عنوان یکی از ابزارهای مهم در دیپلماسی جهانی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. مسائلی نظیر آب، کیفیت هوا، گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر، ذخائر ژنتیکی و... هر یک می‌توانند ابزار تسلط نسبی و حتی کامل کشوری را بر سایر کشورها فراهم آورند؛ بدیهی است در این میان با توجه به موقعیت و نقش استراتژیک کشور عزیزمان ایران، استفاده موثر از این ابزار علاوه بر ارتقاء جایگاه کشور در معادلات بین‌المللی موجب تحقق اهداف و مأموریت‌های محیط زیست کشور و حل مشکلاتی نظیر آب‌های مرزی، تامین حق آبه دریاچه‌ها و تالاب‌های نظیر هامون، حفاظت مطلوب محیط زیستی از آب‌های سرزمینی و حل مشکل گردوغبار گردد. در این راستا بررسی عملکرد پروتکل‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی نشانگر آن است که محیط زیست کشور در برخی از کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها به دلیل اجرایی نشدن تعهدات سهم ایران، عدم اجرای صحیح پروژه‌های بین‌المللی و عدم دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده، حضور ضعیف و بدون برنامه در مجامع (از مرحله مذاکره

تا امضاء و اجرا) و عدم حضور گروه کارشناسی در جلسات تخصصی بین‌المللی و اصرار بر حضور مدیران ارشد سازمان در همه جلسات سبب ضعف در دیپلماسی بین‌المللی محیط زیست گردیده است.

د- تحقیقات، نوآوری و فناوری های اولویت دار کشور

نامناسب بودن پژوهش ها و تحقیقات انجام شده با نیازهای اجرایی و اجتماعی محیط زیست کشور و عدم حمایت از تحقیقات، شرکت های دانش بنیان، اختراعات و فناوری های محیط زیست

پژوهش و تحقیق به عنوان دو رکن اصلی برای ارتباط با محیط های علمی و استفاده از توان بالقوه و بالفعل دانشگاه ها و فضاها علمی برای طرح موانع و مشکلات سازمان ها و اخذ راهبردها و راهکارهای اجرایی مفید و به روز مبتنی بر قابلیت های علمی می باشد بر این اساس بررسی روند پژوهش و تحقیقات انجام شده در سازمان موید آن است که اکثر اسناد و مدارک پایه و کاربردی تحقیقات انجام شده شامل طرح های جامع، مطالعات کاربردی و... مفقود گردیده و اکثر قریب به اتفاق موارد هزینه شده در حوزه پژوهش فاقد اولویت یا فاقد قابلیت اجرایی بوده و کپی سازی و یا ترجمه صرف از سایر منابع علمی و دانشگاهی می باشند و موافقت اصولی پژوهشگرده محیط زیست که در سال ۱۳۸۲ اخذ گردیده به دلیل بی توجهی و کج سلیقهی مدیران ارشد وقت به فراموشی سپرده شده است که ضروری است نسبت به رفع آن اقدام عاجل به عمل آید.

ه- حفاظت و توسعه منابع آب کشور

بحرانی بودن شرایط منابع آب کشور

رتبه ایران در مدیریت منابع آبی از بین ۱۳۳ کشور ۱۳۲ است. در واقع این آمار بیان کننده شرایط بحران آب در کشورمان است. با آن که ایران در منطقه نیمه خشک و خشک واقع شده است اما در سال های اخیر تغییرات آب و هوا و اقلیم، میزان بارندگی را کاهش داده است به طوری که کارشناسان آب این کاهش را در این سال ها بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تخمین زده اند و میزان بارش های کشور را کمتر از ۲۵۰ میلی متر برآورد می کنند. به گفته پروفیسور کردوانی استاد برجسته کویرشناسی (ایسنا): عمر منابع آبی ایران تا ۶۰ سال آینده است و از طرفی در پی این کاهش منابع آبی سالانه ۱۰ دشت آبی کشور از ۶۰۰ دشت موجود دچار بحران می شوند که این مسئله بر وضعیت روستاهای کشور تأثیرگذار است. بررسی ها نشان می دهد که بارندگی در کشور پراکنش خیلی گسترده ای دارد به همین دلیل این بارندگی ها خیلی موثر نیست. ۹۰ درصد بارندگی ها در فصل های سرد سال، ۵۲ درصد از بارندگی ها در ۲۵ درصد از مناطق کشور و ۷۰ درصد هم در فصل های غیرمصرف اتفاق می افتد. منابع آب

تجدید شونده کشور از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب به ۱۰۰ میلیارد مترمکعب کاهش یافته و آمار رسمی این میزان را ۱۲۰ میلیارد مترمکعب اعلام کرده اند. همچنین در سال ها و دهه های گذشته میزان بارندگی ها بسیار کم شده به حدی که میزان روان آب های کشور به کمتر از ۵۴ درصد رسیده است. بر اساس استانداردهای جهانی هر کشوری که بیش از ۴۰ درصد منابع آب تجدید شونده را استفاده کند، وارد بحران آب می شود، در حالی که در ایران حدود ۷۲ درصد از منابع آب تجدید شونده مورد استفاده قرار می گیرد. استفاده بیش از اندازه از منابع آب تجدید شونده طبیعتاً باعث می شود که بسیاری از اکوسیستم (زیست بوم) های کشور لطمه بخورد و همچنین سبب می شود که اکثر تالاب های کشور خشک شوند یا به سمت خشک شدن و تبدیل شدن به نمک زار پیش روند. ضمناً برداشت از ذخائر تجدیدپذیر دیربازده آبخوان ها شدت یافته است و کسری حجم سالیانه مخازن بلند مدت کشور علی رغم الزام به کاهش تدریجی آن در قانون برنامه پنج ساله سوم و چهارم توسعه، از ۱/۵ میلیارد متر مکعب در دهه ی هفتاد به بیش از ۹ میلیارد متر مکعب در سال ۱۳۸۹ رسیده است. این امر موجب گردیده است تا از مجموع ۶۰۹ محدوده مطالعاتی کشور ۴۹۹ محدوده مطالعاتی با افت شدید و نگران کننده سطح آب زیرزمینی مواجه گردند به نحوی که در حال حاضر ۲۹۱ محدوده (دشت) از نظر برداشت آب ممنوعه و بحرانی اعلام شده و میزان افت سالیانه سطح سفره آب زیرزمینی در اغلب دشت های کشور بین ۱ تا ۳ متر در سال رسیده که متأسفانه پیامدهای مخرب بسیاری را به همراه داشته است.

- پائین رفتن سطح آب زیرزمینی در آب خوان ها، گسترش بیابان زایی و خشک شدن مزارع و باغات.
- کاهش آبدهی قنوات و چشمه سارها، خشک شدن رودخانه ها، دریاچه ها و تالاب ها.
- افت کیفیت منابع آب زیر زمینی و افزایش شوری خاک و تخریب محیط زیست و خشک شدن دشت ها و تشدید فرسایش اراضی و گسترش زمینه های تولید ریزگردها.
- فرونشست اراضی و از بین رفتن ظرفیت مخازن ذخیره و پالایش طبیعی آب و خسارت دیدن زمین های کشاورزی، تأسیسات زیر بنائی، راه ها و...
- افزایش هزینه ها و کاهش تولیدات کشاورزی که منجر به گسترش فقر و بیکاری، بروز مشکلات و بحران های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین مهاجرت کشاورزان به شهرها می گردد.
- از بین رفتن فرصت های کمی و کیفی تامین آب برای مصارف شرب و صنعت مورد نیاز

و- بهره ور کردن تولید، انتقال، توزیع و مصرف انرژی**عدم بهره وری تولید، انتقال، توزیع و مصرف انرژی**

در طول سه دهه ی اخیر، خطرات و آسیب های محیط زیست بیشتر نمایان شده است. این آسیب ها، ناشی از ترکیب عواملی همچون رشد جمعیت، رشد اقتصادی، مصرف انرژی و فعالیت های صنعتی است. از سوی دیگر، ارتباط بین توسعه ی اقتصادی و محیط زیست، از مسائل مهم و پیچیده است. چنانچه در بستر توسعه ی پایدار، فعالیت های اقتصادی و محیط زیست به صورت توأم لحاظ شود، محیط زیست و توسعه ی اقتصادی دو عامل مکمل یکدیگرند که موجب تعادل و توازن اکولوژیکی می شوند و فعالیت های اقتصادی عامل برهم زنده ی این تعادل و توازن نخواهد بود (عمادزاده و دیگران، ۱۳۸۶). از آنجا که انجام هر فعالیت اقتصادی مستلزم مصرف انرژی است، لذا از یک طرف انرژی به منزله ی عامل محرک توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی انسانی تلقی می شود و از سوی دیگر، موجب تولید آلاینده های زیست محیطی می گردد، به ویژه اگر مصرف انرژی با ناکارآمدی نیز مقارن باشد فرآیند تولید آلاینده ها تشدید می شود. با توجه به این که ایران کشوری رو به رشد و برخوردار از منابع غنی و گسترده ی انرژی بوده و یکی از مصادیق الگوی رشد با فشار بر منابع زیستی محسوب می شود، لذا بررسی اثرات زیست محیطی مصرف انرژی و رشد اقتصادی در ایران با توجه به اتخاذ رویکرد رشد اقتصادی بالا با حفظ محیط زیست، مهم است. ادبیات اقتصادی حاکی از وجود ارتباط قوی بین سطح فعالیت های اقتصادی (رشد اقتصادی) و مصرف انرژی است، زیرا انرژی به عنوان نیرو محرکه ی اکثر فعالیت های تولیدی و خدماتی بوده و جایگاه خاصی در رشد و توسعه ی اقتصادی دارد. اقتصاددانان اکولوژیک همانند نایر و آیرس بیان می کنند که در مدل بیوفیزیکی رشد، انرژی تنها و مهمترین عامل رشد است. به طوری که از نظر آنها نیروی کار و سرمایه عوامل واسطه ای هستند که برای استفاده به انرژی نیاز دارند. دیدگاه اغلب اقتصاددانان نئوکلاسیک مانند برنندت و دنیسون، مخالف اقتصاددانان اکولوژیک می باشد. آنها معتقدند که انرژی از طریق تأثیری که بر نیروی کار و سرمایه می گذارد، به طور غیرمستقیم بر رشد اقتصادی مؤثر است و مستقیماً اثری بر رشد اقتصادی ندارد. اغلب اقتصاددانان نئوکلاسیک بر یک اصل معتقدند و آن این است که انرژی نقش کوچکی در تولید اقتصادی داشته و یک نهاده واسطه ای است و عوامل اساسی تولید تنها نیروی کار، سرمایه و زمین هستند اما مصرف بیرویه ی انرژی، به ویژه سوخت های فسیلی برای تحقق اهداف رشد اقتصادی و علاوه بر آن و ضعف کارایی در مصرف آن باعث افزایش آلودگی محیط زیست می شود؛ به طوری که از عوامل مهم آلودگی هوا، انتشار گاز دی اکسیدکربن که یکی از مهمترین انواع گازهای گلخانه است، نتیجه مصرف سوخت های فسیلی در بخش های تولیدی، تجاری، خدماتی و خانگی می باشد.

ن- پیشگیری از انواع آلودگی ها و کنترل و کاهش عوامل آلاینده و تهدید کننده هوا

معضل گرد و غبار و گسترش آلودگی هوای کلان شهرها و شهرهای بزرگ

توفان های گرد و غبار همواره مناطق مختلفی از کره زمین از جمله آفریقا، غرب آسیا، چین، استرالیا، و ... را تحت تاثیر قرار داده و می دهند. دست کم از ۴ دهه پیش تا حالا، توفان های متعددی در طول هر سال در ایران و سایر کشورهای منطقه گزارش شده است که موجب بروز گرد و غبار و حتی جابجایی ماسه های مناطق مستعد شده است. با مراجعه به آمارها و سوابق، در کشور ایران گرد و غبار به عنوان یکی از انواع پدیده های جوی همواره مطرح بوده است. البته منشاء اصلی گرد و غبار در جنوب شرق ایران که با شدت بیشتر در استان سیستان و بلوچستان بوده و دامنه های آن تا استان های خراسان جنوبی، خراسان رضوی، کرمان و یزد نیز گسترش می یابد، پدیده بادهای محلی فصلی ۱۲۰ روزه می باشد که از روی اقیانوس هند آغاز و پس از عبور از پاکستان و افغانستان در منطقه جنوب شرق ایران به علت خشکی هوا و کمبود رطوبت در خاک همراه با گرد و خاک بسیار شدید ظاهر می گردد. ولی نکته بسیار مهم این است که توفان های گرد و غبار رخ داده در ۷ سال اخیر در این منطقه از نظر ویژگی های زیر از موارد مشابه قبلی متمایز می باشد: غلظت، اندازه ذرات معلق در توفان، تداوم دوره زمانی، تعداد دفعات وقوع، وسعت و منطقه تحت تاثیر، زمان تحت تاثیر توفان البته فقط کشور و مردم جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر این شرایط نامطلوب نبوده و سایر کشورهای منطقه به خصوص سوریه و عراق هم در شرایط سخت تری متاثر از این توفان ها می باشند. در ۷ سال گذشته، وقوع توفان گرد و غبار با تداوم چندین هفته ای و غلظت بسیار بالا که مناطق وسیعی را پوشش می دهد موجب مختل شدن جدی زندگی مردم شده و نه تنها عرصه را برای هر گونه فعالیت مفید مردم تنگ کرده است، بلکه به خاطر ریز بودن سائز ذرات معلق در توفان امکان بروز بیماری های متعدد تنفسی، ریوی، چشمی و پوستی را افزایش داده است. براساس مطالعات اولیه منشاء عمده این توفان ها در بخش هایی از عراق، سوریه و عربستان قرار دارد. شاید از جمله علل بروز این پدیده را مسائلی مثل تغییرات اقلیمی، کاهش بارش و بروز خشک سالی های متوالی و طولانی، تغییر کاربری اراضی و کاهش قابل توجهی از پوشش گیاهی در منطقه ذکر کرد.

چالش های استراتژیک محیط زیست ایران

محیط زیست که به واسطه کنش و واکنش های آن با سایر بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حوزه ای بسیار فراگیر محسوب می شود، از نظر اقتصادی، تأمین کننده نهاده های تولید و عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی است؛ از نظر اجتماعی، محل زیست سالم، بستری شاداب و جامعه ای سالم را مهیا می کند؛ و از نظر فرهنگی، دربرگیرنده ویژگی های

طبیعی و اقلیمی است که آداب و سنن ملی و هویت میهنی و تاریخی هر کشور در انطباق با آن تکوین و تکامل می‌یابد. ارتباطات افقی و عمودی بین زیست‌بوم‌های همجوار از مقیاس خرد تا مقیاس کلان زیست‌کره، فارغ از هرگونه مرزبندی حقوقی و سیاسی، محیط‌زیست را به حوزه تعاملات یا تقابلات بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل کرده است و اخیراً با ظهور بحران‌هایی چون گرمایش جهانی و تغییر اقلیم، دامنه اثرگذاری آن حتی از مرزهای فیزیکی جو کره زمین نیز فراتر رفته است. در این راستا، نظر به اینکه هدف فعالیت‌های بشر، دستیابی به سعادت و کمال، آسایش و آرامش، ارتقاء کیفیت زندگی و بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی است و استمرار رشد اقتصادی با هزینه تخریب طبیعت در درازمدت پایدار نخواهد بود، توجه به ملاحظات محیط‌زیستی در روند سیاست‌گذاری‌های پیشرفت ملی باید به عنوان مهترین الویت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گیرد.

تحلیل وضعیت محیط زیست در ابتدای دولت یازدهم موید این نکته مهم است که در تمامی ابعاد حفاظت، پایش، احیاء و نظارت بر بهره‌برداری سازمان دچار رکود اساسی گردیده و فاقد جایگاه در سیستم برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت عالی کشور می‌باشد که انحلال شورای عالی محیط زیست، افت چشمگیر رتبه ایران بر پایه شاخص‌های جهانی محیط زیست و بروز مشکلات نوین نظیر خشک شدن تالاب‌ها، ایجاد پدیده گرد و غبار که علل ریشه‌ای آن را در داخل کشور می‌توان به احداث سد بدون انجام مطالعات و اخذ مجوزهای ارزیابی محیط زیست جستجو کرد.

ضمن آنکه عدم انجام طرح آمایش سرزمین در سطوح ملی، استانی و منطقه‌ای و به تبع آن عدم انجام مطالعات ارزیابی توان اکولوژیک در سطوح مختلف کشوری موجب تعریف کاربری‌های مختلف و نامتناسب نظیر احداث پالایشگاه و پتروشیمی در مازندران، واگذاری بستر رودخانه به مدت ۹۹ سال جهت بهره‌برداری و... گردیده که در حال حاضر تمام توان مجموعه در جهت لغو مجوزهای صادره قبلی در این خصوص معطوف می‌باشد. در اجرای وظایف و نظام برنامه‌میزان تحقق اهداف برنامه چهارم در حوزه محیط زیست به کمتر از ۱۰ درصد بالغ می‌گردد و در تدوین برنامه پنجم سیاست و استراتژی خاص مد نظر نبوده که این موضوع به همراه تدوین ضعیف متن و نداشتن اسناد پیوست برنامه موجب تصویب برنامه ناکارآمد، فاقد وجاهت و توان اجرایی لازم گردیده که به عنوان مثال می‌توان به حذف بدون جایگزین ماده ۱۰۴ و ۱۳۴ قانون برنامه پنجم توسعه به عنوان مهمترین ابزار بازدارنده و کنترل‌کننده آلاینده‌ها در برنامه پنجم توسعه اشاره کرد که این برنامه علیرغم تمام کاستی‌ها طبق گزارش اقتصادی سال ۱۳۹۱ دارای پیشرفت کمتر از ۲ درصد در سال اول اجرای برنامه می‌باشد.

بر این اساس علاوه بر موارد فوق که دلالت بر مسائل بخشی محیط زیست کشور دارند مهمترین مسائل موضوعی کشور در فرابخش محیط‌زیست در آغاز فعالیت دولت یازدهم را می‌توان در موارد ذیل جستجو کرد.

- گسترش پدیده خشک سالی، بیابان‌زایی و فرسایش بی‌رویه خاک،
- بروز پدیده گرد و غبار در بسیاری از استان‌های کشور،
- تخریب چشم‌گیر جنگل‌ها و مراتع،
- گسترش تنش آبی در نقاط مختلف کشور،
- کاهش تنوع‌زیستی و انقراض گونه‌های بومی گیاهی و جانوری،
- خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌های بین‌المللی و تخریب زیست‌بوم‌های حساس نظیر دریاچه ارومیه،
- تغییر آب و هوا و قرارگرفتن ایران در فهرست ده کشور اول دنیا از نظر انتشار گازهای گلخانه‌ای،
- آلودگی هوای کلان‌شهرها و گسترش آن به شهرهای بزرگ،
- گسترش آلودگی‌های آب و خاک، سواحل و دریا.

هرچند می‌توان موارد دیگری را نیز به چالش‌های موضوعی بالا اضافه کرد، اما نتایج بررسی‌های کارشناسی حاکی از آن است که چالش‌های موضوعی محیط‌زیست عمدتاً در چالش‌های کلان‌تری ریشه دارند که حاصل بی‌توجهی یا توجه ناکافی به روابط درونی و متقابل بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیط‌زیستی توسعه است.